



Journal of Islamic Propagation

Volume 6 ● No 13 ● Spring & Summer 2026

An Analysis of the Conduct of Umm al-Banin (SA) and Elucidating the Foundations of Wilayah-Oriented Selection with a Propagation Approach in the Thought of the "Party of the Ahl al-Bayt (AS)"

Hassan Khajevand Salehi*

Abstract

The conduct (Sira*) of Lady Umm al-Banin (SA) is not merely a narrative of the life of one of the spouses of Amir al-Muminin (Imam Ali); rather, it is considered the most prominent manifestation of "Wilayah-oriented selection" in the history of Shi'ism. This study, employing an analytical-descriptive approach and drawing upon Hadith, Quranic exegesis, and biographical sources, seeks to extract the foundations of the conscious selection that leads to an individual's acceptance into the "Party of the Ahl al-Bayt (AS)." Accordingly, the Party of the Ahl al-Bayt is not an emotional group but a faith-based and cognitive movement characterized by unity of belief, purpose, and action, standing in opposition to the "Party of Satan." The conduct of Umm al-Banin (SA), from the moment of her conscious marriage to her existential sacrifice in Karbala, demonstrates that membership in this party requires an "existential belonging" to the Ahl al-Bayt (AS)—an attachment that transcends emotional affection to the point of prioritizing the Wilayah over the lives of one's children and all worldly ties. By explaining the personality, behavioral, and identity components of this Sira, this article provides a propagation path for Wilayah-oriented identity-building in the contemporary era, showing how this model can be utilized in educational, media, and cultural contexts to counter the "illusion of attention" and strengthen "commitment-based awareness." The findings indicate that the selection of the true and steadfast exemplars of the Ahl al-Bayt (AS) is an acquired process based on faith, sacrifice, and practical commitment, rather than a merely attributed or emotional matter.

Keywords

Party of the Ahl al-Bayt (AS), Wilayah-oriented Selection, Umm al-Banin (SA), Existential Belonging, Wilayah-oriented Identity-building, Illusion of Attention.

* Professor of the Higher Levels of the Islamic Seminary and Assistant Professor of Quran and Sciences (Management Concentration), Al-Mustafa International University: h.salehi111@chmail.i

تحلیل سیره ام‌البنین علیها السلام و تبیین مبانی انتخاب ولایت‌محور با رویکرد تبلیغی در اندیشه حزب اهل‌بیت علیهم‌السلام

دکتر حسن خواجه‌وند صالحی*

چکیده

سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام نه تنها روایتی از زندگی یکی از همسران امیرالمؤمنین علیه السلام است، بلکه بارزترین تجلی «گزینش ولایت‌محور» در تاریخ تشیع محسوب می‌شود. این پژوهش با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع حدیثی، تفسیری و سیره‌شناختی، در پی به‌دست‌آوردن مبانی گزینش آگاهانه‌ای است که منجر به پذیرش فرد در «حزب اهل‌بیت علیهم‌السلام» می‌شود. بر این اساس، حزب اهل‌بیت نه گروهی احساسی، بلکه جریانی ایمانی - معرفتی با وحدت عقیده، هدف و عمل است که در برابر حزب شیطان قرار دارد. سیره ام‌البنین علیها السلام از لحظه ازدواج آگاهانه تا فدای وجودی در کربلا، نشان می‌دهد که عضویت در این حزب، مستلزم «تعلق وجودی» به اهل‌بیت علیهم‌السلام است؛ تعلقی که فراتر از محبت عاطفی، تا حدّ ترجیح ولایت بر جان فرزندان و همه وابستگی‌های دنیوی می‌رسد. این مقاله با تبیین مؤلفه‌های شخصیتی، رفتاری و هویتی این سیره، راهگشایی تبلیغی برای هویت‌سازی ولایت‌محور در عصر حاضر ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه از این الگو می‌توان در بسترهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی برای مقابله با «توهم توجه» و تقویت «آگاهی تعهدمحور» بهره‌جست. یافته‌ها نشان می‌دهد گزینش مصداق‌های حقیقی و ثابت‌قدم اهل‌بیت علیهم‌السلام، فرایندی کسب‌شده، مبتنی بر ایمان، ایثار و التزام عملی است، نه امری صرفاً انتسابی یا عاطفی.

کلیدواژگان: حزب اهل‌بیت، گزینش ولایت‌محور، ام‌البنین، تعلق وجودی، هویت‌سازی ولایت‌محور، توهم توجه.

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه و استادیار قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی‌العالمیه:
h.salehi@chmail.ir

مقدمه

زندگی اهل بیت علیهم‌السلام، نه صرفاً سلسله‌ای از وقایع تاریخی، بلکه جریان‌ی آگاهانه، هدفمند و مبتنی بر گزینش معیار‌محور است؛ جریان‌ی که در آن هر انتخاب و هر پیوندی فراتر از اتفاق یا تمایل عاطفی، ناظر بر نظامی معنوی - وجودی است. این گزینش بر اساس معیارهایی ارزشی و ولایت‌محور شکل می‌گیرد که در آن نه شهرت، نه قدرت و نه ظواهر اجتماعی، بلکه ساختار داخلی فرد از جمله سوگیری‌های هستی‌شناختی، تعهدات وجودی و نوع فداکاری‌اش، تعیین‌کننده جایگاه او در حزب اهل بیت علیهم‌السلام است. در این راستا پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که مبانی گزینش ولایت‌محور که منجر به پذیرش فرد در «حزب اهل بیت» می‌شود، چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چگونه می‌توان آن را از طریق سیره تاریخی و معنوی شخصیت‌های نزدیک به اهل بیت به‌ویژه حضرت ام‌البنین علیها‌السلام استخراج و تبیین کرد؟

دعای وداع زیارت اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه عبارت «وَصَيَّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ» و مراد در حزب خود بپذیرید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۱۳۴؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۱۰۱)، تنها التماسی عاطفی نیست، بلکه بیانی فلسفی از هویت‌سازی ولایت‌محور است که فرد در آن تمام ابعاد وجودی خود را در راه تعلق به اهل بیت علیهم‌السلام فدا می‌کند. این خواسته کاملاً واقع‌گرایانه و غیرتوهمی است؛ زیرا «حزب اهل بیت» در اصطلاح قرآنی و روایی، گروهی نیست که صرفاً به نام آنان سخن بگوید، بلکه همراهی در مسیر، همسویی در موضع‌گیری‌ها و هم‌رنگی در فداکاری‌های تاریخی از شاخصه‌های آن است. همین امر حضرت ام‌البنین علیها‌السلام را در جایگاه یکی از بارزترین نمونه‌های گزینش ولایت‌محور در تاریخ تشیع معرفی می‌کند؛ زیرا ایشان نه تنها مادر شهیدان کربلا بودند، بلکه خود با ساختار وجودی‌اش، در دغدغه‌های اهل بیت جای گرفت و به‌حق در حزب آنان شمرده شد.

این پژوهش می‌کوشد با بازخوانی سیره حضرت ام‌البنین علیها‌السلام، مبانی گزینش در حزب اهل بیت را شناسایی کند و آن را در چارچوب تبلیغ علمی و هویت‌سازی ولایت‌محور تبیین نماید. هدف اصلی به‌دست‌آوردن الگویی کاربردی برای تربیت مخاطب معاصر است؛ الگویی که نشان دهد چگونه انسانی می‌تواند فراتر از ظواهر اجتماعی و شهرت‌طلبی، خود را چنان بسازد که در دغدغه‌های معصومان علیهم‌السلام جای گیرد و به‌حق در حزب آنان شمرده شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. حزب

حزب در لغت به معنای گروهی است که در میان آنان مقررات سخت و غلیظ برقرار باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۷۷). کاربرد این واژه در قرآن کریم نشان می‌دهد که عنصر وحدت عقیده و هدف در آن ملحوظ است؛ از این رو هر دسته و جماعتی را نمی‌توان «حزب» نامید. «أحزاب» جمع «حزب» و به معنای دسته‌هاست (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۲۶).

۱-۲. حزب اهل‌بیت

با توجه به مبانی لغوی و اصطلاحی «حزب» که پیش‌تر بیان شد، می‌توان تعریف علمی «حزب اهل‌بیت» را چنین بیان کرد: «حزب اهل‌بیت» در چارچوب علمی و قرآنی، نه یک حزب به معنای مدرن سیاسی، بلکه یک جماعت ایمانی - معرفتی با ساختار منسجم و هدف الهی است که در تاریخ اسلام، هویت و مرزبندی خود را در برابر سایر احزاب (ملل، نحل و جریان‌های مخالف) آشکار کرده است.

۲. «حزب اهل‌بیت» در قرآن

«حزب» در قرآن کریم از مفاهیم بنیادین هویت ایمانی و اجتماعی مسلمانان است؛ از این رو خداوند متعال در آیات متعددی با اشاره به «حزب‌الله»، آن را در برابر «حزب‌الشیطان» قرار داده است؛ از جمله می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶) یا: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲). مفسران حزب‌الله را گروهی دانسته‌اند که ایمان محکم، پارسایی، اعمال شایسته، اتحاد و همبستگی دارند و تنها ولایت خدا، پیامبر و اهل‌بیت را پذیرفته‌اند و این پذیرش صرفاً رابطه‌ای عاطفی یا حمایتی نیست، بلکه به معنای سرپرستی و رهبری و حق تصرف در امور است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۱۵۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۴۳۳).

ویژگی‌های حزب‌الله در قرآن و تفاسیر عبارت‌اند از: ایمان به مبدأ و معاد و قطع دوستی با دشمنان خدا و رسول حتی اگر آنان از نزدیک‌ترین خویشاوندان باشند؛ ثبت ایمان در دل و تأیید

به وسیله روح الهی که برخی آن را نور علم یا فرشته‌ای بزرگ‌تر از جبرئیل دانسته‌اند؛ ورود به بهشت‌های جاودان با نعمت‌های فراوان و رضایت دوطرفه خدا و آنان؛ پیروزی مطلق در عرصه‌های مادی و معنوی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۳، ص ۴۶۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۵ - ۲۷۶؛ قمی، ۱۳۸۸ ش، ج ۵، ص ۱۰۳).

ولایت در آیات مربوط به حزب‌الله به معنای سرپرستی و رهبری است و در آیات ۵۵ و ۵۶ سوره «مائده» ولایت خدا، رسول و مؤمنان خاص که در روایات به علی بن ابی‌طالب علیه السلام اشاره شده است، به مثابه ولی و سرپرست مسلمانان معرفی می‌شود (جعفری، ۱۳۹۸ ش، ج ۳، ص ۱۸۴؛ قرائتی، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۳۲۱). این ولایت، محور اصلی هویت حزب‌الله است و نشان می‌دهد که عضویت در این حزب بدون پذیرش ولایت اهل بیت ناقص خواهد بود. حزب‌الله در روایات اهل بیت علیهم السلام به صراحت بر اهل بیت و شیعیان آنان تطبیق داده شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «ما و شیعیان ما حزب‌الله هستیم که پیروزیم» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۵، ص ۱۵۶). در اسباب النزول واحدی آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا»، یعنی علی علیه السلام؛ «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ»، یعنی شیعه خدا و رسول و ولی او؛ «هُمْ الْغَالِبُونَ»، یعنی بر همه بندگان غالب‌اند» (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۲۷). در تفسیر عیاشی نیز آمده است: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۳۲۹). امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمود: «لقد حضر الغدير اثنا عشر ألف رجل يشهدون لعلي بن أبي طالب عليه السلام فما قدر علي أخذ حقه... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (قمی مشهدی، ۱۴۱۱ ش، ج ۴، ص ۱۵۶). همچنین در کتاب التوحيد آمده است: «فنحن و شيعتنا حزب الله و حزب الله هم الغالبون» (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۶۴۸).

حزب‌الله در مقابل حزب شیطان قرار دارد که ویژگی‌های آن نفاق، دشمنی با حق، فراموشی یاد خدا، دروغ و نیرنگ است و حزب‌الله بر اساس محبت و بغض در راه خدا و ولایت اولیای حق تعریف می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۳، ص ۴۷۲ و ج ۱۸، ص ۱۸۴). پاداش‌های حزب‌الله عبارت‌اند از: ایمان ثابت و نقش‌بسته در دل؛ تأیید الهی به وسیله روح؛ ورود به بهشت‌های جاودان؛ رضایت دوطرفه خدا و بندگان؛ ورستگاری و پیروزی نهایی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۶؛ طبرسی، [ابی‌تا]، ج ۲۴، ص ۳۰۳).

تحلیل نظری نشان می‌دهد عضویت در حزب اهل بیت یک هویت اعطایی صرف نیست، بلکه انتخاب‌محور و کسب‌شده است؛ پذیرش ولایت اهل بیت نیازمند ایمان، عمل صالح، وفاداری و فداکاری جامع در عرصه‌های نفس، مال و خانواده است. محبت عاطفی به اهل بیت شرط ابتدایی است، اما کافی نیست، بلکه باید به «تعلق وجودی» بدل شود؛ یعنی پیوندی که سراسر وجود انسان را در مدار ولایت قرار دهد. این تعلق وجودی معیار اصلی گزینش ولایت‌محور است و نشان می‌دهد که حزب اهل بیت تنها با ایشار و ترجیح ولایت بر همه تعلقات دنیوی شکل می‌گیرد. در این چارچوب، گزینش اهل بیت از افراد بر پایه حقیقت ایمان و عمل استوار است؛ محبت عاطفی ممکن است سطحی و زودگذر باشد، اما تعلق وجودی التزامی پایدار و همه‌جانبه به ولایت است. خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره «مجادله» ایمان حقیقی را در کسانی می‌داند که حتی در برابر نزدیک‌ترین خویشاوندان، ولایت خدا و رسول را مقدم می‌دارند و این فداکاری جامع معیار اصلی گزینش ولایت‌محور است.

بنابراین «حزب اهل بیت» در قرآن و روایات، هویتی ولایی و انتخاب‌محور است که بر ایمان خالص، تقوا، عمل صالح، وفاداری و فداکاری جامع استوار است و در برابر حزب شیطان قرار دارد؛ پیروزی مطلق آن در دنیا و آخرت تضمین شده است و محبت اهل بیت باید از سطح عاطفی فراتر رود و به تعلق وجودی و التزام عملی بدل شود تا فرد در شمار حزب الله قرار گیرد. در این چارچوب، گزینش ولایت‌محور در سنت اهل بیت نه امری انتسابی، بلکه فرایندی آگاهانه و مبتنی بر ایمان و ایشار است که در نهایت به رستگاری و رضایت الهی می‌انجامد.

۳. سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام به مثابه نمونه تجسم یافته گزینش ولایت‌محور

گزینش حضرت ام‌البنین علیها السلام در میان زنان عصر خود، نه تنها بر پایه شرافت نسب و نجابت خانوادگی بود، بلکه انتخابی الهی - تربیتی محسوب می‌شد که در آن الگوی زن متقی مؤمن به ولایت جسمانیت یافت. این انتخاب در خدمت نقشه بزرگ‌تری از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داشت؛ نقشه‌ای که فرزندان شجاع و وفادار برای حفظ حق و حجت را در آینده کربلا رقم می‌زد. بنابراین سیره ام‌البنین علیها السلام نه تنها الگویی در حیا و اخلاق، بلکه معیاری در تفهیم ولایت و ایشار وجودی است. این گزینش ولایت‌محور از لحظه آغاز تشکیل خانواده، در حرکت‌ها، تصمیم‌ها و حتی معیارهای انتخاب همسر خودنمایی می‌کند. برای درک چگونگی شکل‌گیری

این سیره، به‌ناچار به ریشه‌های شخصیتی و رفتاری آن حضرت توجه می‌شود؛ ریشه‌هایی که گواه اصالت، تسلیم و شناخت درست از جایگاه ولایت هستند.

۳-۱. مؤلفه‌های شخصیتی و رفتاری: گزینشی از عناصر اصالت و ولایت

طلب امیرالمومنین علیه السلام از برادرش عقیل که «دانشمند تبارشناس عرب» بود، برای یافتن زنی که «از نسل دلیران عرب باشد و پسری جوانمرد برایم به دنیا آورد» (مامقانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۷۰؛ تبریزی خیابانی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۶۸۵؛ سپهر، ۱۳۸۵ ش، ج ۳، ص ۶۷۷؛ ربانی الخلیجی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۲)، نشان‌دهنده تعمد انتخاب تربیتی در تشکیل خانواده معصومان علیهم السلام است. این رویکرد بر دو اصل استوار بود:

الف) اهمیت شرافت خانوادگی که در فرموده ایشان بازتاب یافته است: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُؤْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ: حسن اخلاق دلیل بر شرافت خانوادگی است» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۴۶).

ب) نظر به نقش فرزند در آینده سرنوشت‌ساز به‌ویژه در مواجهه با انحراف‌های سیاسی. نتیجه این گزینش آن بود که فاطمه کلایه با پشتوانه قبیله‌ای دلیر و والدینی دارنده فضیلت، نامزد ازدواج با امیرالمومنین علیه السلام شد. هنگامی که حزام - پدر ام‌البنین - در رؤیای دخترش شنید: «بُشْرَاكِ فَاطِمَةَ بِالسَّادَةِ الْعَزْ / ثَلَاثَةُ أَنْجُمٍ وَالزَّاهِرُ الْقَمَرُ» و همسرش - ثمامه بنت سهل - پاسخ داد: «یا حزام إني - والله - ربيتها وأحسن تربيتها، وأرجو الله العليّ القدير أن يسعد جدّها، وأن تكون صالحة لخدمة سيدي ومولاي أمير المؤمنين عليه السلام، فزوجها به» (ربانی الخلیجی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۲).

این رویکرد، آشکارکننده ولایت‌محوری در فهم ازدواج است. ام‌البنین علیها السلام تنها همسر نبود، بلکه عنصری تربیتی در سیستم ولایت بود.

۳-۲. فداکاری وجودی: فراتر از اندوه مادرانه، همراهی با حجت خدا

اگرچه هر کدام از فرزندان ام‌البنین علیهم السلام - عباس، عبدالله، جعفر، و عثمان - نمادهایی از شجاعت و فداکاری هستند، جایگاه مادر ایشان فراتر از نقش «مادر» است. در روزهای پس از کربلا و هنگامی که بشیر خبر شهادت فرزندانش را یکی پس از دیگری می‌داد، ام‌البنین علیها السلام

سؤالش این نبود که «پسرم چه شد؟»، بلکه هر بار می‌گفت: «أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِ...!» و در نهایت این جمله الهام‌آفرین را سر داد: «أَوْلَادِي وَمَنْ تَحْتَ الْخَضِرَاءِ كُلُّهُمْ فِدَاءٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ!» (مامقانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۷۰). این جمله نشان‌دهنده اوج تفهیم عقیدتی از ولایت است. فدایی دادن نه فقط جان فرزندان، بلکه تمامی موجودیت در مقابل حضور حجت خدا. در اینجا دیگر اُم‌البنین علیها السلام مادر عباس و برادرانش نیست، بلکه همراه وجودی حسین علیه السلام است. فداکاری ایشان، «فداکاری مادرانه» نیست، بلکه فداکاری وجودی است؛ یعنی از دید ایشان هیچ مقامی، عاطفه‌ای و پیوندی، فراتر از پیوند با حضور ولی خدا نیست.

۳-۳. جایگاه تاریخی و ولایتی: پذیرش و محبت اهل بیت علیهم السلام

جایگاه حضرت اُم‌البنین علیها السلام در خاندان اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه عقلی و تاریخی، بر اساس احترام و محبتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان داشت. شهید اول درباره ایشان می‌گوید: «اُم‌البنین را باید جزء زنان بافضیلت و آگاه به حق اهل بیت علیهم السلام شمرد که در پیروی و ولایت و دوستی و محبت نسبت به آنان، خالص و مخلص بود» (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴ش، ج ۳، ص ۳۲۳). از آنجا که اهل بیت علیهم السلام در عواطف و قضاوت‌هایشان هماهنگی ذاتی دارند، این جایگاه والای احترامی به طور طبیعی در میان تمامی اهل بیت علیهم السلام تعمیم یافت.

این منزلت تنها نتیجه رابطه زوجیت نبود، بلکه سرچشمه آن رفتار اخلاقی، عاطفی و وجودی ایشان در کنار معصومان علیهم السلام بود. عالم رجالی، مرحوم مامقانی در کتاب تنقیح المقال، ولایت فاطمه کلایه را چنین به تصویر می‌کشد: «فَإِنَّ عِلْقَتَهَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام لَيْسَ إِلَّا لِإِمَامَتِهِ: همانا علاقه ام‌البنین به حسین بن علی علیه السلام برای امامت حضرت است». در جای دیگر می‌نویسد: «اینکه او به شرط سلامت حسین علیه السلام، مرگ چهار فرزند خویش را بر خود آسان می‌گرفت، نشان درجه عالی ایمان اوست. من او را از نیکان به حساب می‌آورم» (مامقانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۷۰).

ام‌البنین فرزندان فاطمه علیها السلام را بی هیچ شک و شبهه‌ای برتر از عباس می‌دانست و این رفتار برخاسته از ایثار و از خودگذشتگی و صدق و اخلاص است و برای ریشه‌کن کردن حس خودخواهی و حسادت است که تجلی عملی آن، ذوب شدن در انسان‌های والا و برتر است (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴ش، ج ۳، ص ۳۳۷). یکی از دلایلی که سبب ذوب شدن ام‌البنین علیها السلام

در عشق به حسین بن علی علیه السلام شد و نیز با تمام وجود پیرو اهل‌بیت علیهم السلام گردید و به رفیع‌ترین درجات ایثار و فداکاری در این راه دست یافت، احساس مسئولیت ام‌البنین در برابر اهل‌بیت علیهم السلام بود (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴ش، ج ۳۳۲).

چنین سیره‌ای نه تنها ایشان را در میان اهل‌بیت علیهم السلام محبوب و محترم قرار داد، بلکه این محبت زمینه احترام گسترده شیعیان به ایشان را فراهم آورد؛ به گونه‌ای که نام ام‌البنین علیها السلام در سنت شیعه هرگز جز با اکبار، اعظام، تجلیل و اکرام ذکر نشده است. این احترام عام، نتیجه مستقیم سیره والای ایشان در ولایت‌پذیری و ایمان‌محوری است. همچنین همان‌گونه که گفته شده است «هكذا عاقبة المتقين: این سرنوشت متقین است»، این محبت نتیجه سازگاری کامل روحی ایشان با نظام ولایت بود.

۴. راهگشایی تبلیغی از سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام برای هویت‌سازی ولایت‌محور

قرن بیست‌ویکم عصر تضاد هویت‌هاست. در دنیایی که رسانه‌های مادی، فرهنگ‌های مصرفی و ایدئولوژی‌های سکولار با سرعت بالا، هویت‌های از پیش ساخته‌شده را به جوانان عرضه می‌کنند، هویت دینی - ولایتی در خطر فراموشی قرار دارد. در این میان، شیعیان که سالیان سال هویتشان را از طریق عشق به اهل‌بیت علیهم السلام تعریف می‌کردند، با چالش «توهم توجه» مواجه شده‌اند؛ یعنی باور به اینکه فقط دوست داشتن اهل‌بیت کافی است برای اینکه جزء آنان برشمرده شوند.

سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام در جایگاه همسر امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مادر حضرت عباس علیه السلام، الگوی بی‌نظیری از هویت‌سازی ولایت‌محور ارائه می‌دهد که در عصر حاضر می‌تواند راهگشای تبلیغ و ترویج فرهنگ ولایت باشد.

۴-۱. تبلیغ عملی ولایت

حضرت ام‌البنین علیها السلام به دلیل داشتن معرفت و مسئولیت، همه فرزندان خود را فدای فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام کرد. این الگوی عملی تبلیغ ولایت است که در عصر حاضر می‌تواند الگوی خانواده‌های مؤمن قرار گیرد (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴ش، ج ۳، ص ۳۳۲).

۲-۴. اُمّ البنین علیها السلام: الگویی فراتر از «مادر عباس»

در متون عامیانه و برخی بیانات عاشورایی، سیره اُمّ البنین علیها السلام معمولاً در چارچوب «مادر کسی که آب کربلا را تأمین کرد» خلاصه می‌شود؛ اما این دیدگاه، سیره ایشان را با کوته‌فکری مواجه می‌کند. اُمّ البنین علیها السلام از آن زمان که پذیرفت دختر یک قبیله عرب همسر امیرالمؤمنین علیه السلام شود، گزینش آگاهانه‌ای را انجام داد. او همسری باایمان و مادری شایسته و مدیری موفق بود و می‌پسندید که خدمتگزار مخلص باشد؛ از این رو او در خانه علی علیه السلام تلاش بی‌وقفه‌ای داشت تا خوشبختی و سعادت را به خانه شویش و نیز برای فرزندانش و فرزندان همسرش ارمغان آورد. البته ام البنین هرگز راحتی خود را بر آسایش و آرامش شوهرش و فرزندان فاطمه علیها السلام ترجیح نمی‌داد (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴ش، ج ۳، ص ۳۳۳).

اُمّ البنین علیها السلام الگویی برای جوانان امروز در مسائلی چون انتخاب همسر، تشکیل خانواده و فهم عمیق ولایت است، نه فقط یک شخصیت اشک‌بار در دهه محرم.

قرآن در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). اُمّ البنین علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام سکون یافت، چون هر دو در راه واحدی قرار داشتند.

۳-۴. هویت‌سازی ولایت‌محور: از احساس به تعهد

هویت ولایتی در دو سطح تعریف می‌شود:

الف) سطح احساسی: «من دوست دارم حسین را!»؛ ممکن است پیامدهای اخلاقی را دارا نباشد.

ب) سطح تعهد وجودی: «من همه چیز را فدای حسین می‌کنم»؛ همان رویکرد اُمّ البنین علیها السلام است.

این تفاوت در آیه معروف قرآن روشن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ» (توبه: ۲۳). این آیه، ولایت را شرطی به دست آوردن معرفی می‌کند، نه چیزی که خودبه‌خود به هر شیعه‌ای تعلق داشته باشد. اُمّ البنین علیها السلام در روز کربلا این شرط را پذیرفت: هنگامی که بشیر خبر شهادت فرزندانش را داد، نگفت «چرا من؟»، بلکه گفت: «أَوْلَادِي... فِدَاءً لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (التمیمی المغربي، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۶). این جمله نشان‌دهنده اوج هویت‌سازی ولایت‌محور است؛ هویتی که فراتر از خویش‌تنی، به حضور حجت

وصل می‌شود.

به تعبیر سید قطب (قطب، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۶۱۵) دستور الهی «لا تتخذوا آباءکم أولیاء...» نه فرامینی ضد خانواده است، بلکه تقاضایی برای تبعیت ولایت حق از ولایت باطل است. قلب در این سیستم عقیدتی، میدان نبرد واقعی ولایت است؛ همان‌جا که یا «تجرد» رخ می‌دهد یا «انسلاخ». این دوگانگی به خوبی نشان می‌دهد که ولایت‌پذیری، یک «احساس» نیست، بلکه تعهدی وجودی است که در لحظه آزمون نشان داده می‌شود.

در این بستر، تفاوت «هویت احساسی» و «هویت تعهدمحور» آشکار می‌شود؛ همان‌کسی که ادعای محبت به اهل بیت علیهم‌السلام دارد، اما در بحران‌ها مال، جایگاه یا روابط خویشاوندی را بر ولایت ترجیح می‌دهد، چنین فردی واقعاً در سطح «احساس» مانده و به «تعهد» نرسیده است. در مقابل کسی که بتواند چون ام‌البین علیها‌السلام در بحران بگوید: «فرزندانم فدای حسین»، ثابت می‌کند که ولایت، محور تصمیم‌گیری اخلاقی وجودش شده است. بنابراین دوست‌داشتن اهل بیت علیهم‌السلام تنها زمانی معتبر است که ولایت خداوند، «اولویت اول» قلب باشد؛ در غیر این حالت، پیوندهای خویشاوندی حتی اگر قوی باشند، به دلیل قطع «عروة» ولایتی، بی‌حکم خواهند بود.

۵. بسترهای تبلیغی برای ترویج این هویت

ترویج هویت ولایت‌محور - هویتی که در سیره حضرت ام‌البین علیها‌السلام به خوبی تجسم یافته است - مستلزم فعال‌سازی بسترهای چندلایه‌ای است که بتواند این مفاهیم را از سطح احساسی به سطح تعهد وجودی ارتقا دهد. این بسترهای تبلیغی باید چنان طراحی شوند که «توهم توجه» (یعنی باور به اینکه فقط دوست‌داشتن اهل بیت کافی است) را از بین ببرند و جای آن را به آگاهی اخلاقی و مسئولیت تاریخی بدهند. در این راستا، سه بستر کلیدی پیشنهاد می‌شود.

۵-۱. بستر آموزشی: تربیت نسلی آگاه از اصول گزینش

آموزش نخستین و مؤثرترین بستر برای شکل‌دهی به هویت دینی - ولایتی است؛ هویتی که در نظام قرآنی همواره مبتنی بر اختیار آگاهانه و پذیرش اراده الهی است، نه وابستگی‌های سنتی یا احساسی. این اصل در آیه‌ای کلیدی بازتاب یافته است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ

مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء: ۵۴).

این آیه ضمن پاسخ به حسادت اهل کتاب به‌ویژه یهودیان در برابر پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت او، اصلی عمیق درباره توزیع فضل‌های الهی و تکلیف بشر در برابر آن ارائه می‌دهد. بر اساس روایات متعدد از ائمه معصومین علیهم‌السلام، منظور از «الناس» در این آیه، فقط پیامبر ﷺ و اهل بیت اوست. امام صادق علیهما السلام و امام باقر علیهما السلام به صراحت فرموده‌اند: «نحن الذين حُسدنا: ما همان کسانی هستیم که مورد حسادت قرار گرفته‌ایم» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۵۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۱۶۰؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۲۹).

«فضل» خداوند در این آیه نیز بر اساس روایات، نبوت پیامبر اکرم ﷺ و امامت اهل بیت علیهم‌السلام است؛ یعنی آن مقام‌های معنوی و رهبری که تنها با انتخاب الهی شکل می‌گیرند، نه با تمایلات سیاسی یا نژادی (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۶۰؛ رضایی اصفهان، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۱۶۰). این مسئله، پایه‌ای اساسی برای درک «گزینش آگاهانه» است؛ انسان باید بداند که ولایت هدیه‌ای است که خدا می‌دهد و پذیرش آن، نشانه آگاهی از حق است.

خداوند در ادامه آیه با اشاره به «آل ابراهیم»، موازنه‌ای تاریخی - معنوی ایجاد می‌کند؛ همان‌گونه که به این خاندان «کتاب» و «حکمت» و «ملک عظیم» داده شد، به «آل محمد» نیز همین نعمت‌ها عطا گردید. این تشبیه نه فقط تذکر تاریخی، بلکه توجیه عقلانی - دینی برای پذیرش ولایت است؛ چراکه اهل کتاب خود ولایت آل ابراهیم را می‌پذیرفتند، پس چرا ولایت آل محمد را رد می‌کنند؟ (قرآتی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۸۵؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۲۹).

اما نکته کلیدی در عبارت «ملک عظیم» نهفته است. در روایات شیعه، این عبارت به روشنی به امامت و وجوب اطاعت از امامان بر حق تفسیر شده است. امام باقر علیهما السلام می‌فرماید: «و خداوند در میان ذریه ابراهیم، همان‌گونه که امامان راهنمایی‌کننده قرار داد، در میان ذریه محمد ﷺ، اهل بیت علیهم‌السلام را حجت خود گماشته است» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۵۷؛ قمی مشهدی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۲۹). بنابراین «ملک» در این آیه نه به معنای سلطه سیاسی مادی، بلکه حاکمیت حق در جهان هدایت و معنویت است. بر اساس این نگرش، حسادت به پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، در واقع اعتراضی به اراده و حکمت الهی محسوب می‌شود؛ نشانه‌ای از ضعف ایمان و عدم تسلیم در برابر حق. همین مسئله در سطح فردی نیز تکرار می‌شود؛ هر کس که در

لحظه آزمون، ولایت را ترجیح ندهد، در واقع در برابر «ملک عظیم» سکوت می‌کند یا حتی مقاومت می‌ورزد.

بر این اساس، آموزش - چه در مدرسه، حوزه یا خانواده - باید این واقعیت را به نسل جوان منتقل کند؛ ارزش یک انسان نه در نزدیکی سطحی به اهل بیت، بلکه در پذیرش آگاهانه ولایت در جایگاه «ملک عظیم» الهی است؛ همان گزینشی که ام‌البنین علیها السلام در کربلا آن را با فدای جان فرزندان خود امضا کرد.

این آیه نشان می‌دهد که کتاب و حکمت - یعنی دانش الهی و دانایی اخلاقی - پایه ایجاد یک «ملک عظیم» (جامعه ولایت‌محور) است. بنابراین در مدارس و حوزه‌های علمیه، سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام نباید تنها در جایگاه «مادر چهار شهید» معرفی شود، بلکه باید به مثابه الگویی از گزینش آگاهانه ولایتی درس داده شود.

یکی از مواضع ارزشمند و فراموش‌نشده ام‌البنین علیها السلام این بود که ایشان هر روز به قبرستان بقیع می‌رفت و برای شهادت فرزندان فاطمه علیها السلام و فرزندانش ناله می‌کرد و ضجه می‌کشید تا آنجا که مردم پیرامون او جمع می‌شدند و از فرط حزن و اندوه او، محزون و غمگین می‌شدند و بر دستگاه بنی امیه خشم می‌گرفتند و از آنها بیزار می‌شدند (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴ ش، ج ۳، ص ۳۴۶).

۵-۲. بستر رسانه‌ای: بازتعریف الگو در فضای دیجیتال

امروزه رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال از قدرتمندترین ابزارهای شکل‌دهی به هویت جمعی و فردی هستند. این واقعیت، ضرورت بازنگری در روش‌های تبلیغی و الگوسازی را دوچندان می‌کند. قرآن کریم در تبیین جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵). این آیه نه تنها مأموریت ارسالی پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند، بلکه الگویی راهبردی برای هر رسانه دعوتی ارائه می‌دهد؛ هر رسانه‌ای که در راه حق است، باید هم شاهد (یعنی بازنماینده واقعیت)، هم مبشّر (یعنی بخشنده امید) و هم نذیر (یعنی هشداردهنده در برابر انحراف) باشد. در این چارچوب، سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام در جایگاه نمونه‌ای تاریخی از «گزینش آگاهانه از ولایت»، می‌تواند الگویی زنده برای جوانان عصر دیجیتال باشد، نه تنها چهره‌ای اشک‌بار در مناسبت‌های عاشورایی.

برخلاف سنت‌های رایجی که سیره ایشان را تنها در چارچوب «مادر چهار شهید» خلاصه می‌کنند، رسانه‌های معاصر می‌توانند داستان کامل زندگی اُم‌البینین علیها السلام را از لحظه‌گزینش آگاهانه همسری با امیرالمومنین علیه السلام بر پایه شجاعت نسبی و شرافت خانوادگی تا لحظه تصمیم‌گیری وجودی در روز کربلا که فرمود: «أَوْلَادِي وَمَنْ تَحْتَ الْخَضِرَاءِ كُلُّهُمْ فِدَاءٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ» به تصویر بکشند. این روایت زندگی نه برای ایجاد اشک، بلکه برای بیدارکردن آگاهی ولایتی و کشف ماهیت واقعی عشق به اهل بیت علیهم السلام است؛ عشقی که در آن خویش‌نشدن فدای حق می‌شود، نه برعکس.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵). این آیه، ملاک صداقت ایمان را جهاد با مال و جان در راه خدا می‌داند؛ یعنی آمادگی برای فداکاری در لحظه آزمون. اُم‌البینین علیها السلام با فدای فرزندان در راه حضور حجت خدا، نمونه‌ای عملی از این آیه بود. بنابراین هدف رسانه‌های معاصر باید این باشد که جوانان را از سطح «توهم توجه» (یعنی باور به اینکه فقط دوست داشتن کافی است)، به سطح «آگاهی تعهدمحور» ارتقا دهند.

در فضای مجازی، این هدف می‌تواند از طریق پرسش‌های استراتژیک محقق شود:

«اُم‌البینین علیها السلام چه چیزی را فدا کرد؟ جان فرزندان را؟ یا هویت یک مادر معمولی را؟»

«آیا می‌توان بدون گزینش آگاهانه، از حزب اهل بیت علیهم السلام محسوب شد؟»

چنین پرسش‌هایی در قالب کلیپ‌های کوتاه، اینفوگرافی‌ها یا پادکست‌ها، می‌توانند شکل‌دهنده گفتمان جدیدی در فضای عمومی باشند؛ گفتمانی که ولایت را از حوزه احساس به حوزه تعهد و مسئولیت منتقل کند.

در نهایت رسانه‌های دیجیتال اگر بر اساس آیه «شَاهِدًا وَ مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» طراحی شوند، نه تنها سیره اُم‌البینین علیها السلام را به‌درستی بازتعریف می‌کنند، بلکه نسلی پرورش می‌دهند که در لحظه بحران، نه بگوید «من دوست دارم حسین را»، بلکه بگوید: «من همه چیز را فدای حسین می‌کنم»؛ همان‌گونه که خداوند از مؤمنان می‌خواهد: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ... فَتَرْبُصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ» (توبه: ۲۴). هدف آیه هشدار به مؤمنان است که اگر تعلقات مادی و عواطف خانوادگی را بر ایمان و جهاد مقدم بدانند، در

معرض قهر الهی قرار می‌گیرند. معیار ایمان واقعی، ترجیح محبت خدا و رسول و جهاد بر هرگونه وابستگی دنیوی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۷۴؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۹۹).

۳-۵. بستر فرهنگی: تقویت الگوی «زن گزیننده» در فضای عمومی

فضای فرهنگی - شامل همایش‌ها، ادبیات، شعر و آداب عمومی - زمینه نهادینه‌سازی یک هویت است. خداوند متعال فرمود: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» (مریم: ۴۱). یادآوری چنین شخصیت‌هایی نه تنها برای تاریخ‌نگاری، بلکه برای الگوسازی فرهنگی است. در این راستا، همایش‌ها و کنفرانس‌ها باید بر «زن گزیننده» تمرکز کنند، نه فقط بر «زن اشک‌بار». شعر و ادبیات. همچنین ام‌البنین علیها السلام را نه در جایگاه قهرمان ماتم، بلکه به مثابه مادر اخلاق تصمیم‌گیری معرفی کنند؛ کسی که در لحظه بحران گفت: «فرزندانم و من تحت الخضراء كلهم فداءً لأبي عبدالله!». این جمله، اعلان استقلال هویت از هر وابستگی غیر ولایتی است؛ همان هویتی که خداوند در آیه دیگری می‌ستاید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ» (توبه: ۲۳).

بنابراین بسترهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی اگر بر اساس تبلیغ تعهدمحور (نه صرفاً احساسی) طراحی شوند، می‌توانند سیره ام‌البنین علیها السلام را از یک روایت تاریخی به الگوی هویتی زنده تبدیل کنند. هدف نهایی در این مسیر، پرورش نسلی است که در لحظه آزمون نه بگوید «من دوست دارم حسین را»، بلکه بگوید: «من همه چیز را فدای حسین می‌کنم»؛ همان‌گونه که ام‌البنین علیها السلام در کربلا سخنش را گفت.

نتیجه

سیره حضرت ام‌البنین علیها السلام به مثابه الگویی تاریخی، گواهی بر این حقیقت است که هویت واقعی شیعی در «گزینش آگاهانه» شکل می‌گیرد، نه در «انتساب عاطفی». ایشان با پذیرش آگاهانه همسری با امیرالمؤمنین علیه السلام و فدای وجودی فرزندان در راه حجت خدا، نشان داد که ولایت، پیوندی است که سراسر وجود را در مدار حق می‌چرخاند. این سیره، «حزب اهل بیت» را نه در جایگاه دسته‌ای سیاسی، بلکه به مثابه ارگانسمی ایمانی تعریف می‌کند؛ ارگانسمی که در آن

محبت به اهل بیت علیهم السلام، زمانی مقبول است که به «تعلق وجودی» بدل شود و ولایت در لحظه آزمون بر همه تعلقات دنیوی ترجیح یابد. در عصری که «توهم توجه» - یعنی باور به کفایت صرف دوست داشتن اهل بیت - هویت شیعی را رو به فراموشی می برد، بازخوانی سیره اُم البنین علیها السلام راهگشایی تبلیغی ارائه می دهد؛ هویت ولایت محور تنها زمانی جان می گیرد که در بسترهای آموزشی، رسانه ای و فرهنگی، از احساس به تعهد حرکت کند. در نهایت پذیرش در حزب اهل بیت، حقی است که با ایمان عمل گرا، ایثار وجودی و التزام آگاهانه کسب می شود؛ همان گونه که اُم البنین علیها السلام در بحران کربلا نه با اشک، بلکه با سخن قاطع «أَوْلَادِي فِدَاءٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ!» آن را امضا کرد.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ ج، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ ق.
۲. پژوهشکده حج و زیارت، حج در آینه تاریخ: مجموعه مقالات تاریخی فصلنامه میقات حج، تهران: مشعر، ۱۳۹۴ ش.
۳. تبریزی خیابانی، علی و محمد الوانساز خوبی، وقایع الأيام فی تمة محرم الحرام، قم: غرفة الإسلام، ۱۳۸۶ ش.
۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم: هجرت، ۱۳۹۸ ش.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
۷. ربانی الخلیفالی، الشیخ علی، اُم البنین علیها السلام التجم الساطع فی مدینة النبی الامین، بیروت: مؤسسة دارالکتاب الاسلامی، [بی تا].
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۹. سپهر، محمدتقی بن محمدعلی، گزیده ناسخ التواریخ: زندگانی و شرح حال پیامبران و

- امامان عليهم السلام، خلفا، پادشاهان و حکیمان بزرگ، به کوشش محمدرضا غیائی کرمانی و سپهر عباسقلی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تحقیق: هاشم رسولی و دیگران، تهران: فراهانی، [بی تا].
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ مفید، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. قرآنتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۰۸ ش.
۱۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ترجمه: جابر رضوانی، قم: بنی الزهراء، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: [بی نا]، [بی تا].
۱۹. مجلسی، محمداقرا، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.